

ویروس منحوس*

اخترجاه تو در برج شرف شد مستقیم
طالع دشمن کنون منحوس و راجع می شود؟
(بحرالعلومی)

مقدمه

سال ۹۸ با تمامی فرازونشیب‌هایش رو به پایان است. چند ماهی است که جهان به بلیهٔ خطیری که جان میلیون‌ها انسان را تهدید می‌کند، مبتلا گشته است، ابتلاء به ویروس منحوس کرونا که از شهر ووهان پرجمعیت‌ترین کشور عالم، چین آغاز گشته و اکنون تقریباً جملگی کشورهای جهان را در مخاطره‌ای بنیان‌کن قرار داده است.

گفته می‌شود منشأ این ویروس از گوشت خفاش بوده است و چینی‌ها که نظم غذایی خاصی ندارند و هر جنبنده‌ای را قابل خوردن می‌شمرند، عامل پیدایش این ویروس بوده‌اند سپس بر اثر ارتباط آنان با شهروندان سایر کشورها، تمامی جهان را به این بلای عظیم دچار کرده‌اند. تحلیل‌های دیگری هم هست که شواهد و قرائن گوناگونی آن‌ها را تأیید می‌کنند.

از عمده‌ترین تحلیل‌ها استفاده از ابزار «بیولوژیک» به عنوان اسلحه برای برقراری یا حفظ برتری سیاسی و اقتصادی قدرت‌های سلطه‌گر است. براساس این تحلیل ویروس جهش یافته و هوشمند کرونا ۲۰۱۹. ساخته و پرداختهٔ آزمایشگاه‌های جنگ بیولوژیک برخی قدرت‌های سلطه‌گر جهانی است که بسیار ضد انسانی‌تر، مخرب‌تر و وحشت‌آفرین‌تر از دیگر سلاح‌های ضد انسانی هسته‌ای و شیمیایی عمل می‌کند. طبق قرائن و تحلیل‌ها و حتی پاره‌ای اظهار نظرهای صریح‌تر، انگشت اتهام در تحلیل بالا متوجه رژیم صهیونیستی و یا محتضن و پرورش دهنده آن، یعنی جهان سرمایه‌داری غرب به طور عام و رژیم امپریالیستی آمریکا به طور ویژه است که چین و ایران و یا تمامی جهان را مورد حمله قرار داده است. برخی هم دقیقاً در قطب مخالف این تحلیل انگشت اتهام را به سوی کشوری می‌برند که این ویروس در آن پدیدار و از آن به سایر عالم سرایت کرده است. اینها مطالبی است که با اسناد و مدارک در آینده باید آشکار گردد.

* مدیر مسئول.

به هر حال در وضع موجود، ایران نیز از این بلیه در امان نمانده و دو روز پیش از انتخابات دوره یازدهم مجلس یعنی در مورخه ۹۸/۱۱/۳۰ علناً گزارش شد که وجود این ویروس نخستین بار در شهر مقدس قم مشاهده شد و دو نفر بر اثر آن از دنیا رفته‌اند و از آنجا که ویروس منحوس کرونا به سرعت تکثیر می‌شود، ممکن است، هرچه زودتر تمامی کشور را آلوده کند و آتش آن دامن‌گیر تمامی خانواده‌ها گردد. خلاصه آنکه این بلیه و یا ابتلاء، همچون سایر حوادث و ابتلائات از نگاه‌های مختلف پزشکی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی، امنیتی، فرهنگی، قابل تحلیل است و در مورد چاره‌جویی نسبت به آن هم شاخه‌های مختلف دانش بشری و دانشمندان هر رشته و حرفه و صنعت از دید خود، اظهار نظر خواهند داشت که جملگی محترم و ارزشمند است.

آنچه به اقتضای مسئولیت این قلم و حیطة تخصص مجله گفتمان فقه حکومتی در این مجال باید به آن اشاره شود، مسئله حکم فقهی مواجهه با این عارضه خانمان‌سوز است و اینکه مردم متدین و متشرع شرعاً چه وظیفه‌ای بر عهده دارند؟ پاسخ این پرسش را بر مبنای دو نگرش و یا گفتمان فقهی، گفتمان فقه فردی و گفتمان فقه حکومتی، پیگیری می‌کنیم.

نظریه اول: مواجهه با کرونا؛ در چشم‌انداز گفتمان فقه فردی

در پاسخ از استفتاء در مورد کرونا، برخی معتقدند که این میکروب و بیماری مسری، همچون سایر امراض مسری چون وبا، طاعون، سل و...، حکمی متفاوت و خاص ندارد، اگر ضرر معتدبه عقلایی دارد و یا خوف ضرری از آن پدید می‌آید، که عقلاء می‌گویند باید از آن پرهیز کرد، در این صورت وظیفه آحاد مردم متدین و تکلیف‌مدار آن است که با رعایت بهداشت و توصیه‌های پزشکی هم جان خود را حفظ کنند و هم باید مانع شیوع آن باشند، تا موجب اضرار به دیگران نباشند، بی‌احتیاطی و شیوع، هر دو سیئه است و حفظ خود از این دو سیئه، حسنه‌ای از حسنات الهی است.

این حکم کلی مسئله است و اما تشخیص موضوع برعهده مکلف است تا براساس آن، لزوم اجتناب و حلا و اندازه آن را تعیین کند. در نتیجه پرهیز از کرونا امری است که موکول به تشخیص آحاد مردم متدین، پس از مراجعه به کارشناسان امین می‌باشد. کسانی مثل افرادی که سنین بالا یا کسانی که بیماری زمینه‌ای دارند، باید بیشتر مراقبت کنند، ولی جوانان و افرادی که توان دفاعی و سیستم مقاوت قوی بدنی دارند، جای چندان نگرانی نسبت به آنها نیست، ایشان با آرامش و رعایت بهداشت می‌توانند به فعالیت‌های خود ادامه دهند، و اما احتمال ضرر که در هر کار و فعالیتی وجود

دارد (مانند هر احتمال ضرر دیگری که معتدبه نیست و عقلاً واقعی به آن نمی‌نهند) لازم‌الرعايه نبوده و جه عقلائی ندارد که به خاطر آن آدمی فعالیت خود را تعطیل و خانه‌نشین گردد.

خلاصه نمی‌توان برای تمامی مردم یک حکم واحد و فتوای فقهی یکسان صادر کرد، بلکه حکم و فتوا براساس گروه سنی، شغل، محل سکونت و شهر و کشور متفاوت و تابع احکام اولیه و ثانویه ضرر و حد آن است و بر اساس مؤلفه‌های گوناگون تکلیف و وظیفه فقهی متفاوت خواهد شد. چه بسا افراد یک خانواده، اعم از پدر و مادر و فرزندان هر کس تکلیف شرعی خاص خود را دارد.

از آنجا که وقتی به بررسی موضوع ویروس منحوس کرونا می‌پردازیم، ملاحظه می‌کنیم مسئله تشخیص مصداق آن حکم کلی ضرر که در بالا گزارش شد- چندان هم ساده نمی‌نماید، چرا که اثبات ضرر معتدبه این ویروس نسبت به تمامی افراد و آحاد مکلفان چندان سهل نیست که بتوان حکم به حرمت هرگونه فعالیت و وجوب اجتناب صددرصدی کرد، چون عوامل و قرائن متعددی در این قضیه نقش دارند که بر ابهامات و پیچیدگی مسئله می‌افزایند و درجه احتمال ضرر را کاهش می‌دهند. در ادامه به اهم این موارد که موجب مه‌آلود شدن یا گل‌آلوده کردن قضیه می‌شود اشارتی می‌رود:

اولاً اطباء قدیم و دست اندرکاران طب سنتی تقریباً یک صدا براین باورند که ضرورتی در کم کردن یا تعطیلی فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و علمی و مذهبی نیست، چون ویروس کرونا چندان کشنده نیست! شاید اغلب مردم حامل این ویروس باشند، بدون اینکه کوچکترین عارضه‌ای آنان را تهدید کنند. به نظر ایشان، با اندکی رعایت بهداشت مثل شستن دست و استفاده از مواد دارای طبع گرم، مانند عسل و سیاه دانه و ضد التهاب طبیعی مانند سیر و پیاز و شلغم، می‌توان جهاز دفاعی خود را تقویت کرد و همین کفایت می‌کند. در نتیجه برای مردم و متدینانی که معمولاً نسبت به علم پزشکی جدید هم خوش‌بین نیستند، طبق نظر کارشناسان طب قدیم، ضرر معتدبه و حتی بیم آن هم برای ایشان محرز نیست. لذا می‌توانند به فعالیت‌های خود با رعایت احتیاط ادامه دهند، چون تکلیف واجبی متوجه ایشان نیست، مگر مواردی خاص همچون سن بالا یا بیماری صعب‌العلاج داشته باشند، که از باب حکم ثانوی، تکلیف آنها معلوم است.

ثانیاً پزشکی جدید که محصول غرب است و بر داروهای شیمیایی استوار است، اگرچه صدای غالب در آنها خطرناک بودن این ویروس است و لذا باید شرعاً کرونا را از عناوین ضرر معتدبه

شمرده؛ ولی مع‌الأسف نظرات این گروه هم یکسان نیست، بلکه درصد فراوانی از تحصیل کردگان طب جدید، بر همان مقاومت بدن و تقویت سیستم دفاعی سفارش می‌کنند و اینکه بهداشت فردی رعایت شود، کفایت می‌کند و مردم را نباید ترسانید و نیازی به تعطیلی فضای کسب و کار و فعالیت‌های علمی و کلاس درس و بحث و مانند آن نیست.

ثالثاً تحلیل‌هایی که با کمک قرائن و شواهد و تصریحات و کنایه‌های پاره‌ای از مقامات ثابت می‌شود، پای جنگ و سلاح بیولوژیک قدرت‌های سلطه‌گر در میان است، استکبار جهانی خود این ویروس را پدید آورده و می‌شناسد و اگر بخواهد می‌تواند آن را کنترل کند و آنتی ویروس‌اش را به صورت دارو و واکسن عرضه کند و در هنگام مقتضی هم این کار را خواهد کرد.

رابعاً چون قضیه به سازمان بهداشت جهانی مرتبط است، این سازمان هم نظیر سایر سازمان‌های بین‌المللی، مانند سازمان انرژی هسته‌ای و سازمان‌های مبارزه با سلاح‌های اتمی و شیمیایی در اختیار کشورهای سرمایه‌داری و امپریالیسم است، که با معیارهای دوگانه، عمل می‌کنند و در صداقت آن‌ها باید شک کرد، چنانکه در جنگ صدام علیه ایران، سلاح شیمیایی در اختیار او قرار دادند، تا حدود ده‌ها هزار نفر از مردم ایران و عراق را با گازهای شیمیایی به کام مرگ کشاند. بنابراین نمی‌توان توصیه‌های سازمان‌های بین‌المللی را چندان در مسیر منافع ملت‌های مظلوم و مستضعفان عالم دانست. این سازمان‌های پزشکی جهانی بودند که سفارش‌هایی در مورد کنترل جمعیت در دهه‌های شصت و هفتاد به ایران داشتند و ایران هم اقدام کرد و اکنون بطلان و غلط بودن آن توصیه‌ها بر همگان آشکار گردیده است و این قبیل تجربه‌ها نشان می‌دهد که توصیه‌های مراکز و سازمان‌های بین‌المللی راه، مادامی که صحت آنها از طریق مراکز بی‌طرف تحقیقاتی به اثبات نرسیده، مشکوک دانست.

تمامی آنچه در بالا گفته شد، دلیل و قرینه می‌شود بر اینکه توصیه‌های مراکز پزشکی و دست اندرکاران بهداشت مبنی بر تعطیلی اجتماعات و دروس مراکز علمی فرهنگی و مراسم مذهبی و محدودیت رفت‌وآمدها و مسافرت‌های درون و برون‌شهری و کم کردن فعالیت‌های کاری و سازمانی، همگی برای کسانی شرعاً واجب‌الاطاعه است که برای آنها اطمینان به ضرر معتدبه یا خوف آن پدید آید و آلاً تکلیفی بر عهده آنها نخواهد بود. البته عقلاً رعایت احتیاط همواره خوب و حسن است؛ ولی مادامی که احتمال ضرر، یک در میلیارد است و خوف عقلایی هم نسبت به آن نمی‌رود و شبهه هم، غیر محصوره است، تکلیفی نسبت به خود و دیگران متوجه ما نیست، که گناهکار یا ضامن سلامتی دیگران

باشیم. بویژه آنکه ملاک ضرر شخصی است نه ضرر نوعی. بنابراین هرکس باید ملاحظه و تشخیص دهد که ضرر معتنابه برای خودش دارد یا موجب اضرار به دیگران می‌شود یا خیر؟ و اگر هم دولت‌ها و مقامات سیاسی دستوراتی ارائه می‌کنند، التزام به آنها، مادامی که امنیت و نظم عمومی را هدف قرار نداده، شرعاً لازم نیست و حتی اگر دادگاهی افرادی را به عنوان مجرم، که دستورات پزشکی را رعایت نکرده‌اند، دستگیر و محاکمه کند، از نگاه شرعی، چنین کاری خلاف شرع و نوعی ظلم و تعدی به حقوق افراد است. این تحلیل از نگاه فقه فردی و فتوای مبتنی برگفتمان فقه فردی بود.

نظریه دوم: مواجهه با کرونا؛ در چشم‌انداز گفتمان فقه حکومتی

از نگاه فقه حکومتی مطلب، نسبت به آنچه برطبق نظریه فقه فردی گفته شد، کاملاً متفاوت است. بر اساس نگاه فقه حکومتی در کشوری که حاکمیت با فقه است و بر مبنای آن اداره جامعه شکل می‌گیرد و ولی‌امر جامعه بر اساس مشروعیت الهی از یک‌سو و بر مبنای میثاق ملی و مشروعیت قانونی، از سوی دیگر، بر امور اشراف و نظارت عالی دارد، تشخیص ضرر معتنابه نوعیه و سیاست‌گذاری و مدیریت امور جامعه بر مبنای آن بر عهده دستگاه حاکمیت است، نه بر عهده آحاد مکلفان. وقتی ستاد فرماندهی مبارزه با ویروس منحوس کرونا تشکیل شد، و حکم حکومتی یا فرمان اطاعت از ستاد فرماندهی از طرف ولی‌فقیه صادر گردید، تمامی ارکان دولت و ملت، حکومت و سازمان‌ها و جمیع آحاد مردم، هم از نگاه شرعی و هم از نگاه عقلانی و عرفی و هم از نگاه عقلی و خردورزانه، باید به اقدام بپردازند و آلاً نمی‌توان امور خطیر و سرنوشت‌ساز، که کیان اسلام و مسلمانان وابسته به آن است و حفظ حریم مسلمانان و بیضه اسلام تلقی می‌شود، را تابع تشخیص افراد و گروه‌ها و سلیقه‌ها دانست.

اهتمام نسبت به سلامت جامعه و امنیت و نظم اجتماعی و جلوگیری از هرج و مرج و اختلال نظام و پیشگیری از تفرقه و فتنه و آنچه امنیت جانی و مالی و عرضی جامعه را تهدید می‌کند و جامعه را به سمت دسته‌بندی و دوقطبی شدن سوق می‌دهد، عده‌ای را طرفدار تلاش حداکثری در راه مبارزه با کرونا و تعطیلی تمامی اجتماعات و مراکز فرهنگی و حوزوی و دانشگاهی و عده‌ای را مخالف آن قرار می‌دهد، گروهی ضرر آن را معتدبه می‌بینند و عده‌ای آن را توطئه‌ی مراکز استکباری می‌شمرند، نمی‌تواند تشخیص‌های متناقض مبنای تصمیم حاکمیت قرار گیرد. باید به این نزاع‌های قطبی‌گرایانه پایان داده شود و کلیت نظام با ساختارها و امکانات و با فرماندهی واحد در این جنگ واقعی با ویروس منحوس قرار گیرد، تا بر این حادثه مؤلمه فائق آیند و آرامش به کشور برگردد.

این نگاه است که مشکل را در یک نگاه کلی و جامع و مدیرانه و مدبرانه مشاهده می‌کند و برطبق معیارهای علمی و تجربی و پژوهشی روز از یک‌سو و بر اساس موازین شرعی از سوی دیگر، همه را عاقلانه و خردمندانه بررسی می‌کند و در نهایت فصل‌الخطاب تمامی بگو مگوها و سلیقه‌ها و تشخیص‌ها، در این مسئله مهم که با سلامت و جان عامه مردم مرتبط است، خواهد بود. البته نه اینکه امکان اظهار نظر علمی و دل‌سوزانه و انتقاد صحیح نسبت به تصمیمات نظام مسدود باشد و کسی حق بیان دیدگاه‌های مخالف خود را نداشته باشد. آزادی بیان و حق اظهار نظر محفوظ است، ولی التزام عملی نسبت به تصمیمات فرماندهی این بحران لازم است.

از منظر رویکرد حکومتی به فقه، وقتی در جامعه‌ای فقه حاکمیت دارد و بر اساس آموزه‌های فقهی، ولو به صورت حد اقلی، حوادث دنبال می‌شود، بحران کرونا نیز جزء مسائل و دایره تصمیمات حاکمیتی او قرار می‌گیرد. اگر دستگاه حاکمیت و نظام سیاسی به طور یکپارچه، موضعی اتخاذ کرد، که مورد تأیید رأس هرم نظام قرار گرفت و به امضاء ولی امر جامعه رسید، یا به طور صریح ولی امر حکم صادر کرد و اعلام نمود مبنی بر اینکه نباید از دستورات متولیان امور پزشکی که فرماندهی امر مبارزه با ویروس منحوس را به عهده دارند، تخطی شود و اعلام شد که خداوند ما را موظف کرده است که نسبت به سلامتی خود و دیگران حساس باشیم و جلوگیری از ویروس را حسنه و شیوع آن را سیئه اعلام کرد و تمامی دستگاه‌ها را به همکاری و فراهم کردن امکانات برای دست اندرکاران مدیریت این ابتلاء دعوت کرد، بر همگان الزامی است که سلاقی شخصی و نگرش فردی به مسئله را به کناری نهند.

ممکن است فردی با تشخیص موضوع و حتی نظر پاره‌ای از پزشکان قدیم و جدید با نگرش فردی به فقه، این ویروس را دارای ضرر معتدبه برای شخص خودش نداند و حتی بسیاری از اقدامات پزشکی را زیاده‌روی یا خطا و اشتباه بداند، ولی حق ندارد که عملاً از رأی فرماندهی ولایت امر جامعه و حکمی که بر مبنای آن آغاز شده است تخطی نماید. در حقیقت ابتلاء به این ویروس، می‌تواند از مصادیق و اما الحوادث الواقعة محسوب می‌شود که به حکم توقیع شریف باید به روات حدیث مراجعه کرد: «فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا» و به حکم مقبوله عمر بن حنظله باید به آن پایبند بود: «فانی قد جعلته علیکم حاکماً».

در نگرش حکومتی به فقه در ابتلائاتی نظیر ویروس کرونا، سه عنصر نقش‌آفرینی می‌کند: عنصر و ضلع اول؛ مردم و جامعه، از یک‌سو. عنصر و ضلع دوم؛ کارگزاران و مدیران و اولیای امور از سوی

دیگر و نظام اسلامی به عنوان ضلع سوم؛ و هریک از این اضلاع در حیطه و دائره مسئولیت خود بر اساس عنوان حقوقی یا شخصیت حقیقی که دارا می‌باشند، حقوق و تکالیفی دارند، این حقوق اگر استیفا گردید و اگر این وظایف ایفا شد به گونه‌ای که تمام این اضلاع سه‌گانه همچون اندام‌واره‌ای دارای حیات و شعور، در ارتباط و تعامل بایکدیگر به حرکت درآمد، آن وقت است که شکوفه‌های پر بها و معطر این حرکت الهی و توحیدی به بار خواهد نشست، چرا که در این حالت تقوای اجتماعی و سیاسی محقق شده و همگان با رعایت این تقوای جمعی با ایمان به خداوند زمینه نزول برکات الهی را به جامعه فراهم آورده‌اند، «ولو ان اهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء والارض» (اعراف: ۹۶).

بیان حقوق و وظایف اضلاع سه‌گانه حاکمیت

ضلع اول: جامعه: ضلع اصلی که به عنوان قاعده و زیربنای این سه ضلع به نقش آفرینی می‌پردازد، عامه جامعه اسلامی می‌باشد که تحت حاکمیت پرچم اسلام زیست می‌کنند، اعم از مسلمان شیعی و اقلیت‌های دیگر مسلمان، یهودی، زردشتی و مسیحی. عامه مردم در برابر حادثه واقعه کرونا حقوق و وظایفی دارند:

الف) تکالیف مردم: اما وظیفه شرعی و قانونی آنها که به حکم شهروند جامعه اسلامی، با قطع نظر از هر عقیده و فکر دینی و مذهبی، لازم است وفاداری و پایبندی خود را عملاً نشان دهند و التزام عملی خود را به میثاق جمعی و قانون اساسی جامعه ابراز دارند.

وظیفه آحاد جامعه این است که وقتی از مرکز فرماندهی امر کرونا، دستور صادر شد، همگی اطاعت کنند و بر طبق الزام اجتماعی مرکز فرماندهی - که اکنون در لباس الزامات پزشکی خود را نشان می‌دهد - التزام و تعهد خویش را ثابت کنند. از تعطیلی مدارس و دروس حوزی و دانشگاهی و محدودیت در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی (مانند تعطیلی سینماها و تئاترها و موزه‌ها و...) و مذهبی (همچون نمازهای جماعت و جمعه و محدودیت در زیارت حرم‌های شریف و اماکن مقدس و...) را قبول کنند، حتی اگر قانع هم نشده‌اند، به عنوان میثاق ملی، قانوناً التزام بر آنها فرض است و اگر مسلمان و معتقدند، علاوه بر میثاق ملی آن را از مصادیق رعایت حدود الهی و تقوای سیاسی به حساب آورند. همه مردم باید تنها به یک بلندگو گوش فرا دهند و گوش و چشم خود را بر تمامی شایعات و اخبار غیرموتق و تحلیل‌های بی‌مبنا ببندند، تا این حرکت جمعی به خوبی شکل بگیرد و با پیروزی مقرون گردد.

ب) حقوق مردم: اما حقوقی که مردم دارند، از حق سلامت و بهداشت که از مهمترین حقوق جامعه بر حاکمیت است، تا حق امنیت جانی، اجتماعی، اقتصادی و حتی امنیت روانی تا حق تأمین نیازهای دیگری که عرفاً یا شرعاً یا قانوناً برعهده حاکمیت است و در جای خود در مباحث مربوط به حقوق مردم بر نظام به تفصیل بحث شده است، برعهده کلیت قدرت سیاسی و برعهده دولت مردان و کارگزاران، به عنوان اضلاع دیگر حاکمیت است که اشتغال ذمه خود را نسبت به حقوق الناس ادا کرده و از عهده آن بر آیند. تمامی این حقوق حق الناس است که حساسیت شدید شرعی و الهی نسبت به ادای آن به خوبی وجود دارد.

ضلع دوم: نظام اسلامی: ضلع دوم کلیت نظام و ساختار و سیستم حاکمیت است، این سیستم براساس مبانی شرعی و قوانین عرفی برقرارگردیده و میثاق ملی برآن مستقر شده است و براساس این ساختار نظامات مختلف سیاسی، اجتماعی، نظامی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی، تربیتی و غیره شکل گرفته است، و طبق آن چرخ جامعه به گردش در می آید و برای تحقق این مقصود، چاره‌ای نیست جز اینکه دو ضلع دیگر نیز، یعنی مردم و کارگزاران حکومت، هر یک درجای خود، به عنوان اشخاص حقوقی و حقیقی به ادای وظیفه مشغول شوند.

ویروس
متحوس

الف) حقوق نظام اسلامی: اما حقوق نظام اسلامی همان وظیفه‌ای است که بر دوش مردم و کارگزاران است، این وظایف براساس ساختار اسلامی و فقاهتی حاکمیت هم شرعی است و هم قانونی و عرفی؛ چون براساس میثاق ملی و قانون اساسی تنظیم می‌شود، لذا اگر در ادای حقوق نظام اسلامی هر یک از دو ضلع دیگر کوتاهی کنند و در نتیجه نظام قادر به انجام وظایف و تکالیف خود نشود، نه تنها حقوق آن زیر پا گذاشته شده است، که حق الناس هم پایمال خواهد شد، چون حاکمیت وقتی در مسیر ایفای حقوق دو ضلع دیگر موفق خواهد بود که دو ضلع دیگر در انجام وظایف خود موفق باشند. نظام سیاسی وقتی قادر به تأمین عدالت، امنیت، قسط و ایجاد زمینه برای رشد و تعالی و کمال جامعه خواهد بود که دو ضلع دیگر از عهده تکالیف خویش برآیند. در این صورت است که دولت و نظام اسلامی تمهید لازم را به دست آورده است تا به تکلیف خود پردازد.

ب) تکالیف و وظایف نظام اسلامی: تکلیف نظام اسلامی چیزی جز گسترش قسط و عدل و مبارزه با فساد و تبعیض و منکرات و بی‌نظمی‌ها و ایجاد زمینه کمال و رشد اجتماعی و بسط امر به معروف و ارزش‌های الهی برای پیمودن درجات قرب الی الله و وصول به توحید و سعادت دنیا و آخرت نیست.

ضلع سوم: کارگزاران: ضلع سوم که حساس‌ترین بخش از اضلاع مثلث حاکمیت را تشکیل می‌دهد، کارگزاران و بخش انسانی حاکمیت سیاسی می‌باشد؛ کسانی که از یک سو امکانات اسلامی و اموال بیت‌المال، و از یک سو رأی و انتخاب و بیعت مردم در اختیار آنان قرار گرفته است، و از سوی دیگر از طرف کلیت حاکمیت دارای اختیار بوده و بر اساس چارچوب مشخص قانونی به عنوان رئیس، وزیر، مدیرکل، قاضی، فرمانده، شهردار و... تصدی منصب کرده‌اند، تا از طریق ایشان حاکمیت و نظام سیاسی بتواند به وظایف خود عمل کند. این گروه هستند که فرهنگ و سبک زندگی مردم و سعادت و شقاوت جامعه و موفقیت و یا شکست نظام اسلامی متوجه عملکرد ایشان است، چه اینکه: «الناس علی دین ملوکهم» و فساد ایشان به فساد سایر ارکان تسری می‌یابد.

الف) حقوق کارگزاران: کارگزاران و مدیران و فرماندهان حقوقی دارند و از طرف دو ضلع دیگر یعنی مردم و نظام در اختیار آنها قرار گرفته است. انواع امکانات سیاسی، اقتصادی و مالی، نیروی انسانی و هرآنچه به عنوان منابع نرم‌افزاری و سخت‌افزاری شمرده می‌شود، در اختیار مجموعه مدیران نظام اسلامی است و در حقیقت ایشان پیشاپیش حقوق خود را دریافت کرده‌اند، چون از همان ابتدای تصدی منصب، اختیارات و امکانات و منابع مختلف براساس شرع و عرف و قانون به ایشان تفویض می‌شود.

ب) وظایف و تکالیف کارگزاران: در مقابل این اختیارات، تکالیف و مسئولیت‌هایی متوجه کارگزاران است، ایشان به عنوان بازوی نظام و کسانی هستند که از طریق ایشان اهداف نظام اسلامی محقق می‌گردد. فتوحات و موفقیت‌ها، جملگی ناشی از نقش‌آفرینی صحیح ایشان است و شکست‌ها و فسادها و افتضاحات هم ناشی از عمل کرد نادرست از روی قصور یا تقصیر ایشان است.

آنچه در سطور بالا آمد، نگاه کلی به اضلاع سه‌گانه، دولت اسلامی در بُعد عمل کردها و ایفای نقش‌ها و از جهت حقوق و تکالیف هر بخش از آنها بود.

ملاحظه پدیده‌ای مانند ویروس کرونا و بحران ناشی از آن از منظر رویکرد حکومتی به فقه، دارای ابعاد گوناگونی می‌تواند باشد، که یک بُعد آن، مربوط به نظام سیاسی و ارکان مختلف آن است. بر اساس آنچه گذشت، نظام اسلامی موظف است، بعد از آنکه متمکن گشت و بر اریکه قدرت مستولی شد، و به بیان دیگر حقوق خود را با رأی مردم و بیعت ایشان دریافت کرد و با مردم سالاری و قیام

مردم و نصرت ایشان بر جایگاه قدرت نشست، بر او فرض است که با اقتدار کامل از منافع و حقوق مردم و اسلام دفاع و به وظایف خود اقدام کند؛ یعنی در مسیر رفع نیازهای اولیه و ثانویه مردم بکوشد و مدافع سرسخت حق الله و حق الناس باشد و در این چارچوب، وقتی حادثه‌ای چون کرونا رخ داد، باید تمامیت نظام در اختیار سلامت مردم باشد و با استفاده از مشاوره مراکز علمی و تحقیقی و با استفاده از رأی کارشناسان خیره امین، تصمیم مقتضی را برای منافع اسلام و جمهوری اسلامی و شهروندان خویش بگیرد. این تصمیم به طور طبیعی ذو وجوه است. از بُعد بین‌المللی و روابط جهانی، تلاش در جهت کشف حقیقت و اینکه آیا واقعاً حادثه کرونا جنگ بیولوژیک و توطئه سلطه‌های جهانی است؟ و آنگاه اقدام مقتضی برطبق پاسخ این پرسش در مسیر منافع ملی و اسلامی و در ادامه دفاع از منافع کشور در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و جلوگیری از ضربه خوردن تجارت با دول مختلف و به طور خلاصه آنچه تأمین‌کننده منافع مردم و کشور در تمامی ابعاد است. این وظیفه حکومت است که بخاطر اسلام و مردم ایستادگی کند و مانع از آن شود که حمله و ویروسی چون کرونا سده منافع آنها شود.

اما از جهت ضلع دیگر که مربوط به مردم و آحاد جامعه است، لازم است مردم اعلام وفاداری و بیعت کنند و نسبت به تصمیمات نظام ملتزم باشند. نصیحت و خیرخواهی و شفقت خود را نشان دهند به نظام اعتماد داشته و متوجه و نگران توطئه‌های دشمن باشند، و در مقابل این وظیفه، مردم حقوقی دارند که نباید و نمی‌توانند در مقابل استیفای حقوق خویش لب فروبندند و با ساده‌لوحی یا مسامحه چشم بر مفاسد فرو بندند؛ بلکه باید مراقب حاکمیت باشند و با نظارت همگانی دقیق بر اساس امر به معروف و نهی از منکر، مانع از فساد و تباهی باشند. بنابراین اگر در مواجهه با میکروب کرونا خطا و قصورها و اشتباهاتی را متوجه می‌شوند باید با خیرخواهی و با روش صحیح آن را گوشزد کنند. حاکمیت هم اگر انتظار حمایت و التزام دارد، باید گوش به افکار عمومی دهد و افکار عمومی را در مسیر تصمیمات خود به اقناع برساند، تا مردم از روی رضایت وفاداری خویش را اعلام نمایند.

اما از جهت ضلع سوم بحث بسیار دقیق و حساس است کارگزاران و مدیران، هم امین مردمند و هم امین نظام و حاکمیت، مردم و نظام، هر دو به آنها اعتماد کرده‌اند و آنها را متمکن ساخته‌اند تا به قدرت برسند و به رتق و فتق امور پردازند. البته انتظار مدیران آن است که مردم ملتزم باشند و به دستور ایشان مبنی بر رعایت بهداشت، محدود کردن روابط اجتماعی، تعطیلی اجتماعات و کارهای همگانی و رفت و آمدها و مسافرت‌های داخل شهری و خارج شهری به کنترل ویروس کمک کنند

و به تصمیمات فرماندهی مبارزه با این مهمان ناخوانده، مثل هر جنگ دیگری که دشمن به مرزبوم کشور حمله می‌برد و مردم همگی بسیج می‌شوند و زیر سایه فرماندهی واحد به دفاع از کشور و منافع خویش می‌پردازند، در مورد کرونا هم مسئله به این شکل است. لکن این تنها یک سگه است. وظیفه اصلی و اساسی بر دوش مدیران است. آنها نمی‌توانند با مسامحه و سهل‌انگاری از زیر بار مسئولیت خویش در برابر مردم و نظام فرارکنند. اگر با عمل کرد ضعیف خویش موجب تضعیف نظام اسلامی گردند و ارکان آن را متزلزل کنند و دشمن بدخواه و مستکبر عالمی را در شرایط بحران کرونایی به طمع اندازند و یا نفوذی‌های آنها، ایشان را متأثر گردانند و تصمیمات‌شان در مسیر اهداف دشمن قرار گیرد، به همان درجه‌ای که مشکل ایجاد کرده‌اند، مشروعیت خویش را از دست می‌دهند. آنها باید فتنه کرونا را غربال کرده، کاملاً آن را ورنه‌انداز کنند تا تمامی ابعاد آن را با استفاده از نظرات خبرگان و مردم و کارشناسان سنجیده و بررسی و تصمیم‌گیری کنند؛ به گونه‌ای که منافع نظام تأمین گردد و کرونا از «تهدید» به «فرصتی» برای آبرو بخشی به نظام و بالا بردن کارآمدی آن در میان مردم و جهانیان در داخل و خارج تبدیل شود؛ چون قدرت دست مدیران است و این عملکرد ایشان است که می‌تواند به نظام آبرو ببخشد و یا عزت آن را در معرض خطر قرار دهد.

بعد دیگر از مسئولیت اولیاء امر و کارگزاران نظام اسلامی از صدر تا ذیل، مسئولیت ایشان در برابر «حق الناس» است و وظیفه‌ای که در برابر تک‌تک مردم، از مبتلایان به ویروس و بیماران و بستگان آنها، تا افراد سالم دارند. اگر دستور کنترل یا قرنطینه می‌دهند، یا تردها را محدود می‌کنند و یا جلوگیری از فعالیت‌ها می‌کنند، اولاً باید تصمیمات عالمانه و عاقلانه و از روی علم و پژوهش و خرد جمعی باشد، و تابع هوا و هوس و احساسات نباشد. اگر واقعاً چیزی قابل دفاع علمی است، بدان اقدام کنند، ولی از اقدامات ضعیف و غیر علمی ثابت نشده، بپرهیزند. ثانیاً باید تصمیمات مطابق شرع انور و فقه اسلامی باشد. نمی‌توان به بهانه کرونا هر بیماری را بستری کرد و یا از تجهیز هر میثی به صرف احتمال کرونا داشتن، جلوگیری نمود. حکم غیر ضروری به تعطیلی نماز جماعت و مساجد و مانند آن باید با اخذ نظر کارشناسان فقه و مراجع عظام تقلید و طبق موازین شریعت اسلامی که مشروعیت مدیران در گرو عمل به آن است، انجام پذیرد.

به‌علاوه کارگزاران و مسئولان حکومتی باید کاری کند تا عزت، کرامت و امنیت آحاد مردم محفوظ باشد. اقشار ضعیف از جهت اقتصادی، کاسبان جزء و شغل‌های خدماتی همچون

رانندگان که درآمد آنها به شدت بر اثر کرونا آسیب دیده است، باید با کرامت مورد حمایت دولت قرار گیرند. باید تولید و چرخ صنعت و تجارت و بازار و اقتصاد به خوبی به چرخش درآید و با برنامه‌ریزی صحیح، خللی به آن وارد نگردد. لازم است اولیاء امر در بُعد امنیت و اطلاعات نظامی در خارج مرزها و داخل کشور متوجه حساسیت مسئله باشند که مبدا علاوه بر ویروس منحوس، دشمن مکار هم از آب گل آلود، ماهی بگیرد! فرماندهان روانی جنگ کرونا باید متوجه آسیب‌های روانی اجتماعی این عارضه و حواشی آن باشند. آیا بر این امر واقفند که تعطیلی کلاس و درس مدرسه و دانشگاه و نماز و حرم و اجتماع، چه آثار زیانباری را پدید می‌آورد و چقدر موجب تنش در خانواده‌ها و جامعه می‌شود؟ آیا به خوبی اطراف قضیه محاسبه شده است، به گونه‌ای که بعداً سر حساب معلوم شود خرجش به دخلش می‌ارزیده یا خیر؟ نباشد که بعداً معلوم شود دفع فاسد به افسد شده و به جای اصلاح آبرو، چشم را کور کرده‌اند!

بهداشت مهم است و مبارزه با ویروس منحوس لازم است؛ ولی اگر به گونه‌ای به فتنه و اختلاف و مشکلات روانی دامن زند، به اقوام و شهرها و قشرهایی از مردم اهانت گردد و بازار شایعات رواج یابد، دولتمردان پرچمدار مبارزه با کرونا باید برنامه خود را در مورد این مشاکی و راه‌حل آنها، ارائه دهند و به مردم با کمال احترام، گوشزد کنند و به اقناع هرچه بهتر افکار عمومی کمک نمایند.

بعد دیگری که به عنوان مثال قابل تذکر است سوءاستفاده‌هایی است که گاهی افراد طماع و خیره‌سر از این حالت می‌خواهند به مطامع دنیوی و خویش برسند. کسانی که دنبال مال و قدرت و شهرت هستند، کرونا را ابزار سوءاستفاده خویش قرار دهند، عده‌ای با احتکار مواد بهداشتی و یا گران‌فروشی چون زالو به جان مردم بیفتند و همکاری خود را عملاً با ویروس کرونا اعلام کنند.

عده‌ای در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و اینترنتی با شایعات و اخبار کذب بر التهاب میان مردم می‌افزایند، مدیران ارشد و فرماندهان خط اول مبارزه با کرونا تروریسم باید نیروهای عملیاتی خود را در جهت مقابله با زالو صفتان و روباهان مکار و گرگ‌ها و مارهای خوش خط و خال اعلام و اقدام کنند.

یکی دیگر از ابعاد عجیب و شگفت‌آور حادثه کرونا که بر دوش مسئولان امر سنگینی می‌کند، جلوگیری از تبعیض و بی‌عدالتی در تقسیم امکانات است. آیا میان مرکز کشور و شهرهای بزرگ

تا مرکز استان‌ها، تا شهرهای کوچک و مناطق روستایی و مناطق مرزی، امکانات مبارزه با کرونا یکسان تقسیم می‌شود؟ آیا تخت‌های بیمارستان‌ها و داروها و تجهیزات پزشکی و کادرهای درمانی اعم از پزشک و پرستار و... برای تمامی افراد به طور یکنواخت تقسیم می‌شود؟ آیا خود مدیران و کارگزاران حکومتی که نیاز به این خدمات دارند مثل سائترین خدمات دریافت می‌کنند؟ یا در آنجا با عارضه ویروسی منحوس‌تر از ویروس کرونا مواجهیم و آن ویروس ژن خوب است؟ آیا کسانی به خود حق می‌دهند که با امکانات مردم به طور ویژه و vip و لاکچری از درمان بهره‌مند شوند و عده‌ای هم در تب کرونا بسوزند و نابود شوند و امکانات و رسیدگی به آنها غیر قابل قبول باشد؟ اینها تنها گوشه‌ای از ابعاد مختلف جنگ کرونا بود که قابل تفصیل و شرح بسیار است و بر دوش مسئولان و فرماندهان این جنگ پیچیده و پر دامنه سنگینی می‌کند.

در این میان هدف از این تفصیل، توجه به یک نکته اصلی و محوری است. تمامی آنچه گفته شد، ابعاد حادثه کرونا از بُعد فقه حکومتی است. در فقه حکومتی تمامی آنچه نسبت به وظایف و حقوق هر ضلع از اضلاع سه‌گانه نظام سیاسی (نظام، مردم و کارگزاران) گفته شد، همگی به طور دقیق بر مبنای قواعد و اصول فقه حکومتی، از مبانی فقهی و ادله کتاب و سنت به خوبی قابل استنباط و استکشاف است و دانش‌پژوه فقه حکومتی نمی‌تواند هیچ بعدی از این ابعاد را به فراموشی بسپارد. در تمامی این ابعاد فقه اسلامی رأی و حکم متناسب فعل مرتبط با آن دارد و همگان موظف به پیروی از آن حکم می‌باشند. در حالی که با نگرش فقه فردی به موضوع کرونا مسئله چندان پیچیده‌ای نخواهد بود و هر فرد بر طبق فتوای مجتهد خود و تشخیص خود از موضوع، می‌تواند به اقدام پردازد، که با پیچیدگی‌ها و معادلات چند مجهول و دایره‌های پیچ در پیچ موجود در فقه حکومتی، بسیار متفاوت خواهد می‌باشد.

بسط حادثه ویروس کرونا

ویروس منحوس کرونا، تنها یکی از حوادث و واقعه‌هایی است که وقتی بر میزان فقه حکومتی عرضه می‌شود، پاسخ‌های چند لایه‌ای دریافت می‌کند و مشخص می‌شود که مسأله بسیار حساس و ذو ابعاد فراوان است. سایر مسائل و حوادث نیز همچون ویروس کرونا است. در همین چند سال اخیر مردم و جامعه و نظام اسلامی، با بسیاری از حوادث همچون حادثه کرونا مواجه بوده‌اند که ابعاد فقه فردی آن با ابعاد اجتماعی و حکومتی آن از زاویه فقاقت و اجتهاد متفاوت بوده است. حوادث و مقولاتی همچون نفوذ، تحریم اقتصادی، برجام، fatf، داعش، معامله قرن، پول‌شویی، تروریسم،

ورزش بانوان، پوشش بانوان، ورود زنان به ورزشگاه‌ها، محیط زیست، کم آبی، اینترنت و فضای مجازی، ماهواره و ده‌ها مسئله و حادثه ریز و درشت دیگر، جملگی همچون ویروس کرونا قابل ارزیابی می‌باشند و بعد فقه فردی آنها با فقه حکومتی آنها بسیار متفاوت است و این وظیفه حوزویان و دانش‌پژوهان فقهی است که به ابعاد متفاوت این دو نگرش توجه داشته باشند. به عنوان مثال جنس مسأله‌ای چون حضور زنان در ورزشگاه‌ها از سنخ فقه فردی نیست تا بخواهیم مسئله آن را با معیارهای فقه فردی حل کنیم و مثلاً با تمسک به اصول همچون اصل برائت مجوز ورود صادر کنیم. همین‌طور مثلاً مسئله فضای مجازی و پیام‌رسان‌ها ماهیتاً قابل پاسخگویی با معیار فقه فردی نیستند که با اصالة الاباحه و مانند آن جواز آن را نتیجه بگیریم، سنخ و ماهیت و جنس این مسائل حکومتی است و با معیارهای حکومتی قابل پاسخگویی است. همگان باید بدانند که مسئولیت و وظیفه شرعی و قانونی آن است که ملتزم به چارچوب‌های فقه حکومتی باشند، که تقوای سیاسی و اجتماعی و تقرب الی الله و رضایت حضرت بقیه الله (عج) از جامعه اسلامی در این چارچوب قابل تصور است.

در پایان بر یک نکته تأکید می‌شود و آن اینکه تنها راه رسیدن به فقه حکومتی واقعی و تحقق عینی آن در جامعه یک چیز است و آن نظارت همگانی اضلاع ثلاثه حاکمیت نسبت به یکدیگر است، امر به معروف و نهی از منکر باید عینی باشد، مسئولان می‌توانند بر مردم نظارت داشته باشند. ولی مهمتر از آن، نظارت، مطالبه مردم از مسئولان است، چون کارگزاران به پول و قدرت و شهرت و امکانات و رسانه و منبر و تریبون دسترسی دارند، آنها در معرض آزمایش سختی قرار دارند و هر آن، امکان سوءاستفاده و انحراف و فساد و بی‌تقوایی از آنها دور از انتظار نیست و این وظیفه نظام و مردم است که دولت‌مردان را به پای میز پاسخگویی بکشند و از آنها حقوق اسلام و مردم را مطالبه کنند. در این صورت است که درجات قرب الی الله (تبارک و تعالی) و رضایت حضرت حجّت الله روحی و ارواح العالمین لمقدمه الفداء میسر خواهد بود.

خلاصه سخن: طبق نظریه فقه فردی در حادثه‌ای مثل ویروس کرونا، ملاک تشخیص ضرر شخصی معتدبه برای خود انسان است و اینکه اگر مبتلی به این ویروس شده نداند، آیا اضرار عقلایی، یا خوف اضرار عقلایی نسبت به دیگران دارد یا نه؟ و همچنین اگر نمی‌داند مبتلی به این ویروس شده یا نه؟ آیا اجتناب لازم است یا خیر؟ ولی طبق نظریه فقه حکومتی تشخیص ضرر بر

عهدۀ حاکمیت است، اگر حاکمیت و اولیاء امر تشخیص ضرر معتدبۀه دادند و بعد فرمان به اجتناب صادر کردند، در محدوده‌ای که فرمان صادر شده است بر همگان التزام لازم است.

پس اولاً در تشخیص لزوم اجتناب از ویروس و ثانیاً در اینکه ملاک ضرر نوعی اجتماعی است نه فردی و ثالثاً در فرمان به اجتناب و رابعاً در محدودهٔ این فرمان و خامساً در توجه حاکمیت به امور دیگری غیر از مسئله ویروس و سلامت شهروندان، مثل امنیت و سایر مصالح اجتماعی و مصالح اسلام و مسلمین و سادساً در برنامه‌های و سیاست‌های که اتخاذ می‌شود تا این بحران تمام گردد و سابعاً وجوب شرعی و قانونی اطاعت بر تمام مردم اعم از شیعه و سنی و اقلیت‌ها در تمام این موارد که لایه‌های تو در تو و پیچیده‌ای دارد، میان دو رویکرد فردی به اجتهاد در فقه با رویکرد حکومتی به آن تفاوت ذاتی وجود دارد.

واخر دعوینا ان الحمدلله رب العالمین

۱۳۹۸/۱۲/۱۴

گفتیم
حکومت

سال سوم - شماره
پنجم - پاییز و
زمستان ۱۳۹۸

